فهرست مطالب:

[خطبه اول 1](#_Toc428922413)

[22 بهمن، زنده کردن ارزش‌های اسلام 1](#_Toc428922414)

[روابط مردم و مسئولین از دیدگاه امام علی (ع) 1](#_Toc428922415)

[سعادت خانواده 2](#_Toc428922416)

[رعایت حقوق متقابل 2](#_Toc428922417)

[جامعه عزیز و مقتدر 3](#_Toc428922418)

ویژگی [مسئول 3](#_Toc428922419)

[4 حق مردم بر حاکم در نهج‌البلاغه 3](#_Toc428922420)

[4 حق حاکم بر مردم در نهج‌البلاغه 4](#_Toc428922421)

[پاسخ امام علی (ع) به خوارج 5](#_Toc428922422)

[حکومت علی (ع) 5](#_Toc428922423)

[مقام باعث تکبر 5](#_Toc428922424)

[ولایت‌فقیه شعبه‌ای از ولایت امیرالمؤمنین . 5](#_Toc428922425)

[خطبه دوم 6](#_Toc428922426)

[آمادگی برای مرگ 6](#_Toc428922427)

[تبعید امام خمینی (ره) در سال 43 7](#_Toc428922428)

[تأثیرات تبعید امام بر کشور 7](#_Toc428922429)

[عکس‌العمل مردم به تبعید امام خمینی 7](#_Toc428922430)

[دوره سیاه نخست‌وزیری هویدا 7](#_Toc428922431)

[سوءاستفاده از حقوق بشر 8](#_Toc428922432)

[بازگشت امام (ره) و استقبال مردم از پیام ایشان 8](#_Toc428922433)

[آزادی همراه با حفظ معنویت و شأن اسلام 9](#_Toc428922434)

# خطبه اول

**اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه»[[1]](#footnote-1)؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم** «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»[[2]](#footnote-2)**عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# 22 بهمن، زنده کردن ارزش‌های اسلام

**راهپیمایی پرشور بیست و دوم بهمن، نشان‌دهنده پایبندی ملت ایران به ارزش‌های بزرگ الهی است. بهمن 57 و انقلاب شکوهمند اسلامی، زنده کردن ارزش‌های متعالی اسلام بود که باهمت مردم و مسئولین به نتیجه رسید اما با همه این‌ها، تمامی ما نیازمندیم تا در پرتو تعالیم اسلام و اهل‌بیت به‌خصوص امیرالمؤمنین (ع) روح تازه به زندگی خود بدمیم.**

# روابط مردم و مسئولین از دیدگاه امام علی (ع)

**مشی زندگی و روابط مردم و مسئولین بر اساس دیدگاه اسلام و بیان امام علی (ع) آن چیزی است که ما را در تنظیم این هدف یاری می‌دهد. خطبه 216 نهج‌البلاغه در جنگ صفین زمانی که مردم در جنگ با معاویه بودند ارائه‌شده است. امام علی (ع) در ابتدای خطبه می‌فرمایند: «فَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِی عَلَیکمْ حَقّاً بِوِلَایةِ أَمْرِکمْ وَ لَکمْ عَلَی مِنَ الْحَقِّ مِثْلُ الَّذِی لِی عَلَیکم»[[3]](#footnote-3)** علی (ع) به‌عنوان کارگذار حکومت و فردی که در قبال مردم مسئولیت داشته است می‌فرمایند: مردم بدانید که به‌عنوان مسئول برای من بر شما حقی است و برای شما هم به‌عنوان شهروندان جامعه برمن حقی است. این حق متقابل ما را به هم پیوند می‌دهند و نظام جامعه را اصلاح می‌کند. در ادامه خطبه چنین می‌فرمایند**: «ثُمَ جَعَلَ مِنْ حُقُوقِهِ حُقُوقاً فرض‌ها لِبَعْضِ النَّاسِ عَلَی بَعْضٍ فَجَعَلَهَا تَتَکافَی فِی وجوه‌ها»[[4]](#footnote-4)**خداوند حقوق متقابل را در جامعه قرار داده است و این‌چنین سلامت جامعه را تضمین کرده است. ادامه می‌دهند**: «وَ أَعْظَمُ مَا افْتَرَضَ سُبْحَانَهُ مِنْ تِلْک الْحُقُوقِ حَقُّ الْوَالِی عَلَی الرَّعِیةِ وَ حَقُّ الرَّعِیةِ عَلَی الْوَالِی»[[5]](#footnote-5) از مهم‌ترین** حقوق در جامعه که مایه سعادت خواهد شد، حق حاکمان و مسئولان بر مردم و حق مردم بر والیان و حاکمان است. **«فَرِیضَةٌ فرض‌ها اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِکلٍّ عَلَی کل»[[6]](#footnote-6)** این یک فریضه بزرگ است که خداوند برای همه نسبت به یکدیگر قرار داده است. ما هم مطالبه کننده حق هستیم و هم حقی از ما مطالبه می‌شود.

# سعادت خانواده

مجموعه حقوقی که در میان اعضای خانواده و میان تمام افراد یک جامعه برقرار است، همگی رشته‌های یک پیوند اجتماعی سالم است که خداوند مقرر نموده است و برای سعادت جامعه این حقوق باید رعایت شود. سلامت یک جامعه و خانواده به این است که مجموعه افراد در خانه حقوق یکدیگر را رعایت کنند. یک خانواده زمانی سعادتمند خواهد شد که این امر رعایت شود. جامعه نیز مانند یک خانواده است.

# رعایت حقوق متقابل

**«فَجَعَلَهَا نِظَاماً لِأُلْفَتِهِمْ وَ عِزّاً لِدِینِهِم»[[7]](#footnote-7)** خداوند این حقوق را مایه الفت، همبستگی، عزت دین و ارزش‌های متعالی اخلاقی و معنوی قرار داده است. جامعه‌ای که در آن‌همه وظایف خود را انجام می‌دهند الفت و همبستگی دارند.

جامعه چه زمانی صلاح می‌یابد؟

**«فَلَیسَتْ تَصْلُحُ الرَّعِیةُ إِلَّا بِصَلَاحِ الْوُلَاةِ وَ لَا تَصْلُحُ الْوُلَاةُ إِلَّا بِاسْتِقَامَةِ الرَّعِیة»[[8]](#footnote-8)** جامعه بدون صداقت و درستی مسئولین، یک جامعه سالم نیست. اخلاق و رفتار مسئولین بر منش و رفتار افراد یک جامعه تأثیر دارد و از طرف مردم هم این امر صدق می‌کند. اگر روزی برسد که مردم به درک واقعی این امر برسند که در مقابل مسئولین و دولت وظیفه‌دارند و این وظیفه را به‌درستی انجام بدهد و حکام و مسئولین از عمق جان به حقوق مردم معتقد بودند و مسئولیت خود را در قبال مردم انجام دادند، آن جامعه صلاح می‌یابد

# جامعه عزیز و مقتدر

**«عَزَّ الْحَقُّ بَینَهُمْ وَ قَامَتْ مَنَاهِجُ الدِّینِ وَ اعْتَدَلَتْ مَعَالِمُ الْعَدْل»[[9]](#footnote-9)** اگر تمامی افراد یک جامعه و حکام این حقوق را رعایت کردند، حق عزیز می‌شود، پایه‌های عدالت استوار می‌شود و جامعه صلاح می‌یابد و دشمنان مأیوس می‌شوند. این تصویری است که علی (ع) از عزت، اقتدار و عظمت یک امت ترسیم می‌کند. جامعه‌ای عزیز، مقتدر و قوی است که در پرتو ارزش‌های اخلاق و دینی، حقوق متقابل مردم و مسئولان در آن رعایت شود.

# ویژگی مسئول

**«وَ إِنَّ عَمَلَک لَیسَ لَک بِطُعْمَةٍ وَ لَکنَّهُ فِی عُنُقِک** **أَمَانَة»[[10]](#footnote-10)** کسی که در برابر مردم مسئولیتی دارد، باید بداند که عمل و مسئولیت تو طعمه نیست، بلکه یک امانت الهی است. حیوانات برای سیر کردن شکم خود به دنبال طعمه می‌روند و نفس خود را اشباع می‌کنند. رژیم ستم‌شاهی نمونه این حکومت بود. شاه زمانی که بعد از پدر به حکومت رسید، ادعاهای مردم‌داری داشت اما ازآنجاکه پایه‌های فکری او به حکومت، شکم‌پرستی بود، خیلی زود دربار شاه به لجن‌زار شهوت و خیانت به ملت تبدیل گشت. از امانت مردم باید حراست کرد. مسئولین باید مسئولیت خود را یک امانت بدانند.

# 4 حق مردم بر حاکم در نهج‌البلاغه

**«أَیهَا النَّاسُ إِنَّ لِی عَلَیکمْ حَقّاً وَ لَکمْ عَلَی حَقٌّ فَأَمَّا حَقُّکمْ عَلَی فَالنَّصِیحَةُ لَکمْ وَ تَوْفِیرُ فَیئِکمْ عَلَیکمْ وَ تَعْلِیمُکمْ کیلَا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِیبُکمْ کیمَا تَعْلَمُوا»[[11]](#footnote-11)** علی (ع) بر منبر خطابه به مردم می‌آموزد که شما بر من حق‌دارید و من در قابل این حقوق، مسئولیتی الهی دارم. حق شما چهار چیز است:

-اول این‌که من از عمق دل خیرخواه شما باشم. خیرخواهی یک امر قلبی است که اگر در قلب بود، بر رفتار و کردار ما تأثیر خواهد گذاشت. خیرخواهی یعنی تلاش همه‌جانبه و با برنامه‌ریزی برای سعادت و تعالی جامعه.

-حق دوم شما بر من این است که حقوق مالی شمارا به عدالت تقسیم کنم. عدالت اقتصادی امری است که امام علی (ع) در جای‌جای نهج‌البلاغه به آن اشاره نموده‌اند. حکومت باید برای نجات مردم از فقر، تلاش کند و بیت‌المال را عادلانه تقسیم کند.

-حکومت اسلامی، یک حکومت لیبرال و غیر متعهد نیست، حکومتی که در آن سیاست از دیانت جدا باشد، نیست. محقق نمودن این حکومت وظیفه حاکمان است.

-مسئولیت من بر شما این است که حقایق دین و معارف الهی را به شما بیاموزم، و شمارا بر اساس موازین اخلاقی اسلامی ادب بیاموزم.

# 4 حق حاکم بر مردم در نهج‌البلاغه

**«أَمَّا حَقِّی عَلَیکمْ فَالْوَفَاءُ بِالْبَیعَةِ وَ النَّصِیحَةُ فِی الْمَشْهَدِ وَ الْمَغِیب»[[12]](#footnote-12)**

- حق من هم بر شما این است که خیرخواه من باشید. جامعه نیز باید در حضوروغیاب در قبال حکام و مسئولین خود حس خیرخواهانه داشته باشند.

-جامعه باید نسبت به مسئولین، انتقاد و پیشنهاد داشته باشد و بدین طریق با حکومت همکاری داشته باشد. این‌یک حس قلبی است که افراد جامعه را با مسئولین پیوند می‌دهد.

**-«الْوَفَاءُ بِالْبَیعَةِ»** حق دیگر من بر شما این است که بر بیعت خود با من استوار بمانید.

**-«وَ الْإِجَابَةُ حِینَ أَدْعُوکم»[[13]](#footnote-13)** وقتی‌که برای بسیج عمومی ندا دادم، به این ندا پاسخ‌گویید و هرگاه فرمان می‌دهم اطاعت کنید.

# پاسخ امام علی (ع) به خوارج

یکی از مشکلات امام علی (ع) این بود که خوارج می‌گفتند ما به حکومت کاری نداریم. ایشان فرمودند: هر جامعه‌ای حکومت و قوانینی می‌خواهد. در خطبه 40 می‌فرمایند**: «لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِیر»[[14]](#footnote-14)** در ادامه این خطبه چنین می‌فرمایند: حکومتی باید در جامعه باشد که عدالت اقتصادی را تأمین کند و در برابر دشمن مقاومت کند و امنیت را در جامعه حاکم کند و حق ضعیفان را از غنی بگیرد.

# حکومت امام علی (ع)

زمانی که حضرت علی (ع) خطبه 216 را ایراد می‌فرمودند، حین خطبه شخصی بلند شد و شروع به تعریف کردن از ایشان نمود، ایشان در جواب چنین فرمودند: تعریف‌های تو نباید مرا فریب دهد. من بنده کوچک خدا هستم و بار امانتی بر دوش من است. آن‌گونه که با متکبران سخن می‌گویید، با من سخن مگویید. من رابطه عادلانه بین حاکم و رعیت را بر تملق بی‌جا ترجیح می‌دهم. هنوز حق‌های زیادی بر دوش من است و احساس سنگینی می‌کنم**. «فَلَا تُکلِّمُونِی بِمَا تُکلَّمُ بِهِ الْجَبَابِرَةُ وَ لَا تُخَالِطُونِی بِالْمُصَانَعَة»[[15]](#footnote-15)** من دوست ندارم پرده ریا و تظاهر میان من و شما باشد.

# مقام باعث تکبر

انسان صالح کسی است که هرچه خداوند به او نعمت دهد، بیشتر احساس کوچکی می‌کند. وقتی کسی در کار خود رتبه می‌گیرد نباید بر مردم و سایر همکاران، تکبر کند. در یک نظام الهی این امانت‌داری باعث افتخار است اما نباید باعث خودپسندی و خودبزرگ‌بینی شود. حاکم جامعه باید احساس خدمت گذاری نسبت به مردم و احساس ناخوشایند نسبت به ناحقی داشته باشد.

# ولایت‌فقیه شعبه‌ای از ولایت امیرالمؤمنین

این چهره امیرالمؤمنین (ع) است که در سیمای امام راحل تجلی پیدا کرد. امام راحل پایه این ولایت را در کشور ما نهاد. در این ولایت استبداد راه ندارد. 22 بهمن و انقلاب شکوهمندی که از اندیشه‌های متعالی امام الهام گرفت، بر این مبانی استوار بود**.** همگی به فراخور خود، برای عزت و عظمت کشور و اسلام باید این ضوابط و حقوق را در بین خود محقق کنیم.

**«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ وَالْعَصْرِ (1) إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِی خُسْرٍ (2) اِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ (3)»[[16]](#footnote-16)**

# خطبه دوم

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم** «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»[[17]](#footnote-17)**عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# آمادگی برای مرگ

«وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَی کمَا خَلَقْنَاکمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ»[[18]](#footnote-18) **و (روز قیامت به آن‌ها گفته می‌شود:) همه شما تنها به‌سوی ما بازگشت نمودید، همان‌گونه که روز اول شمارا آفریدیم! همه شئونات اجتماعی، اموال، شهوات، مقام‌ها، عشیره و خویشان را روزی کنار خواهیم گذاشت و به‌سوی خدا بازخواهیم گشت. تمامی شخصیت ما، لباس و تشکلات ما از ما سلب می‌شود و با تکه‌ای پارچه به‌سوی ابدیت رهسپار خواهیم شد. آیا این برای بیدار شدن ما کافی نیست؟ ما از لحظه مرگ خود هیچ راه گریزی نداریم. پس باید برای آن لحظه و برای عبور از معرکه‌های روز قیامت آماده شویم و اعمال و رفتار فردی و اجتماعی و اخلاقی خود را طبق موازین اسلامی تنظیم کنیم.**

# تبعید امام خمینی (ره) در سال 43

**بعد از فوت آیت‌الله بروجردی حوادثی اتفاق افتاد، و جریاناتی نیز در سال 1341 به دستور آمریکا، توسط سیاست‌مداران وابسته کشور، در حال وقوع بود. در این شرایط امام راحل بعد از آزاد شدن از زندان، حرکتی را آغاز کردند، ایشان برای حفظ عظمت و اقتدار کشور در مقابل دستگاه شاه موضع گرفتند، و دشمن تحمل این اتفاق را نداشت و امام را در صبحگاه 13 آبان 1343 از قم به ترکیه تبعید کردند. امام پس از مدتی که در ترکیه بودند، به نجف رفتند. شاه به این نتیجه رسید که این قیام چندساله امام پایان‌یافته است و حضور مردم و آگاهی آنان را نیز سرکوب کرده است.**

# تأثیرات تبعید امام بر کشور

**تبعید امام (ره) تا حدودی نیز تأثیر خود را گذاشت. چراکه تبعید امام از سال 1343 آغاز شد و تا سال 1357 نیز ادامه داشت. در این مدت کشور بدترین روزهای خود را در زمان نخست‌وزیری هویدا می‌گذراند. شکنجه، زور، چپاول و غارت منابع کشور و دور شدن از ارزش‌های الهی در این دوره آغاز شد. علاوه بر کودتای 28 مرداد، جریاناتی که در این 15 سال اتفاق افتاد، نشان‌دهنده جنایاتی است که آمریکا در کشور ما مرتکب شد.**

# عکس‌العمل مردم به تبعید امام خمینی

**بعد از حوادث 15 خرداد، اسدالله علم را برکنار و منصور را بر جای او نهادند. منصور در اول بهمن 1343 ترور شد. اوایل سال 1344 در کاخ شاه به او حمله شد. گروه‌های چریکی نیز تشکیل شد اما این حرکات ناچیز بود. این جریانات عکس‌العمل مردم در مقابل تبعید امام راحل بود.**

# دوره سیاه نخست‌وزیری هویدا

**صحنه سیاست و اقتصاد در دستان شاه و آمریکا بود. در بهمن 1343 بعد از قتل منصور به دست فدائیان اسلام، هویدا به نخست‌وزیری رسید و به مدت 13 سال بر مردم خیانت می‌کرد. مطالعه زندگی هویدا در شناخت عظمت انقلاب بسیار اهمیت دارد. او فردی عیاش، کم‌سواد، متملق و بیگانه از فرهنگ و ارزش‌های مردم بود. او در خارج تحصیلات خود را به پایان رسانده بود، در شمال شهر زندگی می‌کرد و با طاغوت هم‌دست بود. به همین جهت هیچ‌گاه در درد و رنج مردم شریک نبود. علاوه بر این‌ها در دین او و گرایش او به بهاییت نیز شبهه وجود داشت. بسیاری از وزارتخانه‌های ما مستقیماً از آمریکا دستور می‌گرفتند. وزیر خارجه شاه در مصاحبات خود گفته است: شاه در ارتباطات خود با سازمان سیاه، دستورات لازمه را می‌گرفت. تحقیری از این بالاتر نیست که اداره کشور به دست شخصی باشد که دستورات خود را از کاخ سفید می‌گیرد و در دین او نیز شک باشد، آن‌هم در کشوری که شیعه امام صادق (ع) هستند. در دوره او ساواک پدید آمد که از جلادان تاریخ پیشی گرفته بود. مجاهدان، عالمان، شخصیت‌ها و چهره‌های بزرگی در این دوره زیر شکنجه قرار گرفتند و شهید شدند. روزگاری بود که کمترین حرف شائبه دار باعث از دست رفتن جان می‌شد. نفت به قیمت بالایی صادر می‌شد و هزینه آن به‌جای پایه‌ریزی اقتصاد کشور صرف عیاشی می‌شد و اگر کمکی هم انجام می‌گرفت، فقط برای ظاهرسازی بود و از اقتصاد صحیح و تولید خبری نبود. در شهرهای بزرگی مثل شیراز، تهران و اصفهان مشروب‌فروشی‌هایی باقیمت‌های گزاف و مراکز عیش و نوش و فحشا فراهم‌شده بود و با انواع دسیسه‌های این‌چنینی نسل جوان را به فساد می‌کشانیدند. با پول و امکانات مردم جشن‌های تاج‌گذاری و جشن‌های 2500 ساله که خارج از اعتقادات مردم بود برگزار می‌شد. در کنار هدر دادن منابع ملی، بی‌اعتنایی به رأی و اندیشه مردم، شکنجه و فشار، اعدا می‌کردند که به دروازه‌های بزرگ تمدن نزدیک می‌شویم. هیچ‌کدام از مطبوعات آن زمان جرئت کمترین انتقادی نسبت به کمترین عضو دولت نداشتند، چه رسد به این‌که مسائل کشور را نقد و بررسی کنند.**

# سوءاستفاده از حقوق بشر

**زمانی که کارتر رییس‌جمهور شد، آمریکایی‌ها دیدند که در نقاطی از دنیا چنان ظلم، شدید شده است که اگر ادامه پیدا کند برای منافع آمریکا و قدرت‌های استکباری خطرناک است، بدین منظور سیاست حقوق بشر را اعلام کردند، کاری که چند بار تکرار کرده بودند و گمان می‌کردند بدین‌وسیله می‌توانند مردم را فریب دهند و استبداد را مجدداً حاکم کنند.**

# بازگشت امام (ره) و استقبال مردم از پیام ایشان

**در همین اثنا بعد از توهینی که در مقاله اطلاعات علیه امام (ره) صورت گرفت و بازمینه‎ای که به‌صورت جهانی فراهم‌شده بود، امام بزرگوار، پس از فوت حاج‌آقا مصطفی به صحنه آمدند. گروه‌های مختلفی مثل لیبرال و کمونیست و ... بودند اما نتوانست ملت را بیدار کند اما پیام امام (ره) مانند برق در جهان منتشر شد. مردمی که از رژیم شاهنشاهی و ستم خسته شده بودند و عظمت اسلامی کشور و افتخارات ملی و الهی خود را از کف رفته می‌دیدند، نسل جوانی که در فرهنگ ضد الهی پرورش‌یافته بودند، بادل و جان سخن امیدبخش امام را شنیدند و پاسخ گفتند. روحیه الهی امام جامعه را متحول ساخت.**

# آزادی همراه با حفظ معنویت و شأن اسلام

**استقلال آزادی و عظمت ملت در پرتو معنویت و اخلاق معنا می‌یابد. این خیال باطل است که گمان کنیم با آزادی می‌توان به اسلام و مبانی دینی کشور تعرض کرد. این خیانت به آزادی است. آزادی درگرو این است که‌شان دین حفظ شود. شریف امامی و اظهاری و خیلی اشخاص با چهره‌های ملی و مذهبی و نظامی و فرهنگی در دو سال آخر رژیم به روی صحنه آمدند اما مقاومت نکردند. ملت عمق قضیه را دریافته بودند. امام فرمودند: ما وارد کاری شده‌ایم که باید به پایان برسانیم و بساط اختناق و ظلم و حکام بیگانه را برچینیم. 22 بهمن چنین چهره تاریکی را از کشور ما زدود. ما امروز بامطالعه تاریخ انقلاب کشور باید درک کنیم که 22 بهمن برای کشور چه دست آوردن‌هایی داشته است.**

**نسئلک اللهم و ندعوک باسمک العظیم الاعظم الأعزّ الأجلّ الاکرم یا الله ... یا ارحم الراحمین. اللهم ارزقنی توفیق الطاعة و بعدالمعصیة و صدق النیّة و عرفان الحرمة؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر واهله.**

1. **. سوره اعراف، آیه 43.** [↑](#footnote-ref-1)
2. **سوره آل‌عمران، آیه 102.** [↑](#footnote-ref-2)
3. **. نهج البلاغة، ص 332** [↑](#footnote-ref-3)
4. **. الکافی ج 8، ص 353** [↑](#footnote-ref-4)
5. **. نهج البلاغة، ص 333** [↑](#footnote-ref-5)
6. **. نهج البلاغة، ص 333** [↑](#footnote-ref-6)
7. . همان [↑](#footnote-ref-7)
8. . همان [↑](#footnote-ref-8)
9. . **نهج البلاغة، ص 333** [↑](#footnote-ref-9)
10. . نهج البلاغة، ص 366 [↑](#footnote-ref-10)
11. . نهج البلاغة، ص 79 [↑](#footnote-ref-11)
12. . نهج البلاغة، ص 79 [↑](#footnote-ref-12)
13. . همان [↑](#footnote-ref-13)
14. . نهج البلاغة، ص 82 [↑](#footnote-ref-14)
15. . الکافی، ج 8، ص 356 [↑](#footnote-ref-15)
16. . والعصر، آیات 1 تا 3 [↑](#footnote-ref-16)
17. . سوره حشر، آیه 18 [↑](#footnote-ref-17)
18. . سوره الأنعام، آیه 94 [↑](#footnote-ref-18)